

کمپین آزادی محمود صالحی را گسترش دهیم!

بهرام رحمانی

bamdadpress@ownit.nu

محمود صالحی، این چهره محبوب و دل سوز و مقاوم جنبش کارگری ایران، صبح روز پنج شنبه یکم شهریور ۱۳۸۶، به بخش اورژانس بیمارستان توحید سنندج منتقل گردید. وضعیت جسمی محمود، وخیم اعدام شده است.

بر اساس گزارش کمیته دفاع از محمود صالحی، فشار خون نامبرده به ۲۱ درجه رسیده و ماموران حکومت اسلامی با بستن دست و پای «محمود صالحی» و تحت تدابیر شدید امنیتی وی را به اورژانس بیمارستان توحید سنندج انتقال دادند.

پس از مداوای جزئی و بدون در نظر گرفتن تاکید و اصرار پزشکان بر ادامه معالجه محمود صالحی، ماموران حکومت او را به زندان باز گرداندند.

محمود صالحی، از سوی بی دادگاه حکومت اسلامی، به یک سال زندان محکوم شده است، روز ۲۲ فروردین ۱۳۸۶ بازداشت و به زندان سنندج منتقل شد. او، حدود ۴ ماه است که در زندان سنندج به سر می برد، در حالی که او، یک کلیه خود را از دست داده و کلیه دیگری نیز ۲۵ درصد کار می کند. از این رو، پزشکان متخصص بارها اعلام کرده اند که وی باید برای مداوا و معالجه سریعاً باید به خارج از زندان انتقال یابد. اما مسئولین پرونده محمود، آگاهانه و عامدانه چشم و گوش خود را بسته اند تا محمود، ذره ذره ذوب شود.



محمود صالحی

محمود صالحی، سرافراز بود و هست و بی شک از این به بعد نیز با قامتی استوار از حقوق اقتصادی، سیاسی و اجتماعی جنبش کارگری، جنبش زنان، جنبش دانشجویی، کودکان کار و جنبش های تحت ستم برابری طلب با قدرت دفاع خواهد کرد. تاکنون محمود، در عمل ثابت کرده است که نه تنها زندان و شکنجه، بلکه هیچ قدرتی قادر به شکستن اراده او، در دفاع اش از جنبش کارگری نیست. امروز محمود نه یک چهره سرشناس و محبوب و دلسوز جنبش کارگری در ایران، بلکه در نزد تشکل های کارگری، احزاب و سازمان های چپ و سوسیالیست، نهادهای مدافع حقوق انسان ها در سطح بین المللی نیز او را به خوبی می شناسند و به زیر و بم مبارزه و افکار محمود آشنایی دارند. آن ها در سه سال گذشته بارها به زندان و دستگیری محمود با نوشتن نامه هایی به سران حکومت اسلامی اعتراض کرده و خواهان آزادی فوری و بی قید و شرط وی شده اند؛ بارهای در تظاهرات ها و میتینگ هایی که برای آزادی محمود در کشورهای غرب برگزار شده، نمایندگان تشکل های کارگری، احزاب و سازمان های چپ و سوسیالیست سخنرانی کرده اند. گزارش این تظاهرات ها را با عکس های محمود در نشریات و دیگر رسانه های خود انعکاس داده اند.

محمود، نه تنها از دوران کودکی ستم و استثمار سرمایه داری را با گوشت و پوست خود تجربه کرده است؛ محمود نه تنها بنیان گذار اتحادیه خبازان سقز است، محمود نه تنها سخنگوی «کمیته همهانگی برای ایجاد تشکل کارگری» است، بلکه یک چهره سرشناس شناخته شده جنبش کارگری ایران در داخل و خارج کشور

است. او در سخنرانی‌ها و نوشته‌هایش جسورانه، فداکارانه و دلسوزانه از موضع یک رهبر کارگری بر علیه ستم و استثمار انسان از انسان و چگونگی پایان دادن به وضعیت موجود موضع گرفته است. البته در برخی حرکت‌ها و جلسات پالتاکی گاهی سعی شده است که نقش محمود در جنبش کارگری را گم رنگ کنند و حتی مبارزه برای آزادی وی را به حاشیه برانند. انسان مبارزی هم چون محمود، بهترین دوران عمر خود را (بیش از شش سال) فقط به این دلیل در زندان‌های مخوف حکومت اسلامی سپری کرده است که با تمام قدرت بر علیه سیستم سرمایه داری از موضع جنبش کارگری مبارزه می‌کند. او برگزار کننده ماه مه، برپایی تشکل، اعتصاب و آزادی بیان و قلم را حق طبیعی طبقه کارگر و همه جنبش‌ها و کانون‌های اجتماعی می‌داند. او برای محمود همه اشکال ستم و نابرابری و استثمار مبارزه می‌کند. مبارزه طبقه کارگر بر علیه سیستم سرمایه داری، یک مبارزه بین‌المللی است که در جهت برافکندن سلطه سرمایه و برقراری یک جامعه اشتراکی کمونیستی که در آن دیگر هیچ انسانی، انسان دیگر را استثمار نکند، گام برمی‌دارد. مبارزه طبقه کارگر، اساساً یک مبارزه انترناسیونالیستی است. از این رو، رهبران طبقه کارگر هم چون در بطن مبارزه طبقاتی آبدیده می‌شوند و از ویژگی‌های یک رهبر سیاسی و اجتماعی برخوردار می‌گردند. این رهبران آگاهانه و با جان و دل بهای مبارزه خود را نیز به عنوان مختلف می‌پردازند و با قامتی استوار در مقابل هرگونه فشار و تهدید و زندان می‌ایستند و به چهره‌های محبوب و دلسوز طبقه کارگر تبدیل می‌گردند. به خصوص در حاکمیت‌های دیکتاتوری، این رهبران همواره تهدید و شکنجه و زندان و اعدام می‌گردند. در چنین پروسه‌ای توده کارگران به رهبران خود اعتماد می‌کنند و سیاست‌ها و فراخوان‌های آن‌ها را نیز به مرحله پراتیک می‌گذارند. براین اساس محمود، یک نمونه شاخص و برجسته‌ای از این رهبران در جنبش کارگری ایران است.

از سوی دیگر، تلاش‌های خزانده و شرمنده‌ای در جهت فراموشی محمود در جریان است. تلاشی در خارج کشور زمزمه می‌شود که محمود صالحی، هم به عنوان یک زندانی سیاسی و هم به عنوان یک رهبر کارگری، به حاشیه رانده شود. چرا که مبارزه و موضع‌گیری‌های او گرایش رادیکال و سوسیالیستی طبقه کارگر نمایندگی می‌کند. صریحاً باید گفت که چنین تلاش‌هایی هم به لحاظ انسانی و هم به لحاظ سیاسی فرصت طلبانه و زشت و نارواست.

روشن که ما کمونیست‌ها، منافعی جدا از منافع طبقه کارگر نداریم و همواره در راستای منافع و مصالح کل طبقه کارگر پیگیرانه و بی‌وقفه مبارزه می‌کنیم. وظیفه روزمره خود می‌دانیم که در مبارزات روزمره اقتصادی، سیاسی و اجتماعی طبقه کارگر، حضور فعالی داشته باشیم. و در عین حال گرایش رفرمیست درون طبقه را نیز در فضایی رفیقانه و سالم نقد می‌کنیم. به این دلیل که این گرایش اولاً طبقه را تکه تکه می‌کند؛ دوماً طبقه کارگر را با اتخاذ سیاست‌های مماشات طلبانه و سازشکارانه در مقابل سرمایه داری و دولت‌های حامی سرمایه تضعیف می‌نماید. همچنین ما کمونیست‌ها، برای آزادی تشکل و اعتصاب، آزادی بیان و قلم، آزادی‌های فردی و اجتماعی و آزادی همه زندانیان سیاسی و همچنین لغو آپارتاید جنسی، پایان دادن به زندان و شکنجه و اعدام، و به طور کلی برای برچیده شدن بساط سرمایه داری و حکومت حامی سرمایه و برقراری جامعه‌ای عاری از ستم و استثمار تلاش می‌کنیم. از سوی دیگر، گرایش سکتاریستی و فرقه‌گرایی را نیز قاطعانه نقد و طرد می‌کنیم.

در چنین شرایطی، من قصد دارم، به پاس احترام به انسانیت، مبارزه، مقاومت محمود صالحی و پیگیر بودنش در دفاع از هم طبقه‌ای‌هایش، زندگی و مبارزه او و همچنین مبارزاتی که عمدتاً از سوی جریان‌های چپ و سوسیالیست و انسان دوست برای آزادی وی در داخل و خارج و حمایت و پشتیبانی تشکل‌های کارگری، احزاب و سازمان‌های چپ و سوسیالیست و نهادهای انسان دوست راه افتاده است را به نگارش درآورم تا به عنوان یک مجموعه و یک تجربه ارزنده جنبش کارگری در تاریخ ثبت شود.

مسلم است که نام محمود، با جنبش کارگری و برگزاری آزادانه اول ماه مه، و آزادی تشکل و اعتصاب، آزادی بیان و قلم و آزادی همه زندانیان سیاسی اجین شده است. جنبشی که با دستگیری محمود و شش تن دیگر از فعالین جنبش کارگری در اول ماه ۱۳۸۳ به این سو، راه افتاده و تاکنون نیز ادامه دارد، جنبش کارگری و خواست‌ها و مطالبات این جنبش را به سرعت به دورن جنبش کارگری جهانی برد. و حتی در جهت گیری و معطوف شدن برخی از جریان‌های چپ ایرانی به عرصه مبارزه کارگری نیز بسیار موثر بوده است، نام محمود در همه این مراحل در جنبش کارگری ایران و جهان ثبت شده است. از این رو باید تأکید کرد که مبارزه برای آزادی محمود، در واقع مبارزه برای برگزاری آزادانه و مستقل اول ماه مه، مبارزه برای تشکل مستقل و اعتصاب و آزادی بیان و قلم، مبارزه برای آزادی همه زندانیان سیاسی و مبارزه برای آزادی و برابری همه انسان‌ها بدون در نظر گرفتن ملیت و جنسیت است.

تلاش‌ها و استقامت نجیبه صالحی، همسر و سامرند صالحی، فرزند محمود، برای آزادی وی، عمیقاً تحسین برانگیز است.

در پایان تأکید کنم که از هرگونه همکاری و پیشنهاد فعالین کارگری و همه کسانی که محمود را از نزدیک می‌شناسند و یا دست اندرکاران کمپین‌هایی که برای آزادی محمود در جریان بوده و یا در جریان است در نگارش زندگی و مبارزه محمود، هر نظر و پیشنهادی دارند، صمیمانه استقبال می‌کنم.

کمپین آزادی محمود صالحی را باید قدرتمندتر و گسترده تر از گذشته پیش ببریم. به امید آزادی هر چه سریع تر محمود صالحی، منصور اسانلو، لقمان مهری، فعالین جنبش دانشجویی، روزنامه نگاران و همه زندانیان سیاسی از بندهای مخوف حکومت اسلامی ایران و همچنین لغو احکام شلاق و زندان ۱۱ کارگر سندجی و لغو حکم زندان شیث امانی و صدیق کریمی و...

تو هستی
چه در عدم و چه در حضور
در سیاه چال پشت میله های زندان
نستوه و فولادین
باور داریم، به اراده و اندیشه ات
چو نشسته بر کشتی
در دریائی مملو از طغیان
در ژرفای اقیانوس
یابنده صدفی خواهید گشت
که درون آن ستاره ی سرخی خواهد بود
تنهایت نخواهیم گذاشت
پاروزنان در بلم
پشت سر خواهیم بود و
با افراشتن بیرق (...)?
تا برسیم به افق
دیری نمی باید
گرچه راه دراز باشد
اما کوتاه و نزدیک خواهیم نمود...

به مناسبت به دربرندکشیدن رفیق مبارز محمود صالحی و روز جهانی کارگر
از: آربن سقر

پنجم شهریور ۱۳۸۶ - بیست و هفتم اوت ۲۰۰۷